علوم قرآن (2) (غرائب نظائر افراد وجوه)

عندلیب زاده

اعربو القرآن و التمسو غرائبه قرآن را اعراب‏ دهید و از غرائب آن جستجو نمائید.این‏ حدیث نبوی ما را امر بد و چیز نموده:

نخست امر باعراب قرآن فرموده، سابق گفته شد این اعراب،اعراب مصطلح‏ در نزد نحویان نیست بلکه معنی لغوی آن‏ منظور است زیرا در آن تاریخ هنوز علم‏ نحو وضع نشده بود و از آن سخنی هم‏ بمیان نبود تا چه رسد به اصطلاحات آن. نوشته‏اند هنگامیکه گروه حافظان قرآن رو بنقصان مینهادند و تازه میخواست غلط خواندن در قرآن آغاز شود ابو الاسود دئلی‏ که حدود نحو را از حضرت علی علیه السلام‏ فرا گرفته بود بوضع آن علم باشاره آن جناب‏ قیام نمود و اعراب قرآن نوشت و سپس نقطه‏ گذاری معمولی(اعجام)بوسیله دو تن‏ از شاگردان فاضل و پرهیزکار او بنام‏ نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر انجام یافت‏ صجابه قرآن مجید را که از پیغمبر فرا میگرفتند با کمال صحت و وضوح قرائت‏ مینمودند و همچنین مینگاشتند و در مصاحف‏ خود ممیزات مخصوص برای حروف متشابه‏ بکار برده و رسم مینمودند قرآن مجرد از علامات و ممیز نبود تا آنکه بمصداق حدیث‏ من قراء القرآن و اعربه الخ و حدیث مذکور در فوق کاملا رفتار نموده باشند این بود معنی اعراب در حدیث نبوی و مانند آنست‏ آنچه از ائمه هدی علیهم السلام بما رسیده‏ اعربوا احادیثنا فانا قوم فصحاء که کلمه‏ (اعربوا)در این حدیث نیز بعنی(بینو) آمده.

دوم جستجو از غرائب-در سابق‏ اشاره شد مراد از غرائب مفرداتی است که‏ همگان در فهم آن یکسان نباشند و نیاز بدقت و جستجو داشته نه آنکه در فن معانی‏ مصطلح است که غرابت در استعمال باشد و طبقات آن مانوس نباشند زیرا وقت صدور حدیث هنوز از علم معانی و اصطلاحات آن‏ اثری نبوده تا ببرکت نزول قرآن تدریجا مباحث این علم وضع و تا زمان جرجانی و سکاکی مدون گردید.

اجمالا غریب در اصطلاح تفسیر نه‏ مانند اصطلاح در فن معانی است یعنی مانند (و فاحما و مرسنا مسرجا)نیست

کتاب فصلت آیاته قرآنا عربیا لقوم‏ یعلمون

طوائف عرب که بیش از هفتصد طایفه‏ بودند بعضی از مفردات در یک یا چند قبیله‏ رایج بود که در اقوام دیگر عرب رواجی‏ نداشت و همچنین بعکس از این جهت ما مامور به جستجو از غرائب میباشیم چنانکه نافع از معنی و کنتم قوما بورا از ابن عباس پرسید بپاسخ وی گفت لغت بورا در عمان که یکی‏ از طوائف یمن است بمعنی(هلکی)آمده‏ پرسید گواهت چیست خواند:

فلا تکفروا ما قد منعنا الیکم‏ و کانوا به بالفکر بور لصانعه

این خود یکی از معجزات قرآن عظیم‏ است که جداگانه باید بشرح آن پرداخت در شماره قبل مثالهای چندی برای غرائب ذکر نمودیم اینک چند میال دیگر برای روشن‏ شدن اذهان در اینجا مینگاریم.

عزین،کبد،لازب،خلاق،و- اکدی،کالصریم،لکنود،املاق و یوم‏ عصیب،الا-همسا.

عرض شد صحابه را در غرائب و مفردات‏ حکایاتی است روزی یکی از مشاهیر صحابه‏ در منبر،کریمه و فاکهه و ابا را قرائت‏ مینمود گفت فاکهه را میدانم و ابا چیست‏ اندکی تامل کرد و گفت(چراگاه)است‏ زیرا پس از آن فرموده متاعا لکم و لا نعامکم‏ چنانکه گفتیم ابن عباس از کسانی است که‏ در مقام جستجو از غرائب برآمده و میگوید اذا سالتمونی عن غریب القرآن فالتمسوه فی‏ الشعر فان الشعر دیوان العرب نافع هر لغتی‏ را از وی پرسش مینمود و شاهد میخواست‏ از جمله پرسید از معنی غراما گفت آن ملازم‏ شدید مانند لزوم غریم از عزیم است

شاهد

و یوم النسار و یوم الجفار و کان غذابا و کان غراما

پرسید از الا و لاذمة گفت الا خویشاوندی و ذمة پیمان است

جزی الله الا کان بینی و بینهم‏ جزاء ظلوم لا یوخر عاجلا

پرسید از سنا برقه گفت سنا روشنائی‏ است

شاهد

یدعو الی الحق لا ینبغی به بدلا یجلو بضوء سنادا فی الظلم

ابن عباس در تفسیر مقام شافعی داشت‏ چنانچه وقتی امیر المؤمین علیه السلام او را بجانب خوارج برای قضاء فرستاد فرمود با سنت رسول(ص)با آنها دوری کن و تو با قرآن با مردم احتیاج مکن عرض کرد میدانید من بقرآن کریم از آنان داناترم‏ زیرا قرآن در خاندان ما نازل شده آنجناب‏ سخن او را تصدیق نموده این خود دلیلی‏ است ببزرگی و ارجمندی ابن عباس در تفسیر فرمود صدقت و لکن القرآن جمال ذو وجوه‏ این کلام علی(ع)منشاء تسمیه وجوه،در وجوه و نظائر گردید که انشاء الله تعالی‏ در آینده موفق به بیان آن خواهم شد.- اثر طبع آقای گلشن کردستانی

رنج هوش

فریبم داد نقش آرزو عمری بر آب اما بکامم گشت دور زندگی یکدم بخواب اما پس از عمری که ماندم تشنه کام وادی هستی‏ مرا شد چشم دل روشن بدیدار سراب اما جفای آسمان پیوسته نومیدم نمیدارد بخواندم نغمه امید گاهی در کتاب اما فروغ عشق روشن ساخت جانم را ولی یکدم‏ درخشان گشت این اختر ببزم چون شهاب اما بدمسازی وفادار است جانم را ولی حضرت‏ ز تنهائی نرها سازد دلم را اضطراب اما چه میخواهید ای امواج غم از جان لرزانم‏ که در دریای هستی رهسپارم چون حباب اما چو مرغی خوش‏نوا گلشن که دور افتد ز بزم گل‏ بشعر افسونگری کردیم در کنج خراب اما